

International Conference on The School of Martyr Soleimani (ICSMS 2021)

Fundamentals and world outcomes of the life of Martyr Soleimani from the perspective of the Quran (Emphasizing the will of the martyr)

Ali nabiollahi *

Abstract

Introduction: Man was created by God in a perfectionist way, He explained the way to reach perfection by presenting the program and the quality of its implementation through a guide, God has placed a worldly effect on human deeds, that Knowing it is important in order to enjoy divine help and lack of it, Its positive dimension can be examined in the behavior of righteous people and the implementation of the positive effects of good deeds Which is doubly important for modeling and patterning. Method: Vocabulary and content analysis using Quranic verses and various aspects of the martyr's words in his will As indicators of epistemic activities, Social or political meanings are his speech. Objective: To explain the principles and effects (functions) of the martyred leader-oriented behavior wiht emphasis on his wills. Findings: The life of a martyr is based on Islamic principles, some of which are: Belief in God, having faith and righteous deeds, Having the position of Reza, Thanksgiving at all times And sincerity in deeds, The output of theism: Freedom from slavery other Gods, Immunity from Satan's domination, Output of faith and righteous deeds: Achieving spirituality, To be quick and ahead of others in good deeds, The great love and affection of the people for the martyr, And attain pure life, And the results of sincerity include: Freedom from fear and dread, Achieving divine pleasure And success in achieving goals.

Keywords: Principles, effects of the status of actions, Martyr Soleimani, Wilayah-centered, Holy Quran.

* Assistant Professor of Islamic Education, Representation of the Supreme Leader in Imam Hossein University, Tehran, Iran. E-mail: Nma۱۳۸۰@yahoo. Com

مبانی و کارکرد دنیایی سیره ولایت محورانه شهید سلیمانی از منظر قرآن (با تاکید بر وصیت نامه شهید)

علی نبی اللهی *

چکیده

مقدمه: خداوند انسان را موجودی کمال خواه آفرید و راه رسیدن به آن را نیز با ارائه برنامه و کیفیت اجرای آن از طریق راهنما و ولی تبیین کرد، خداوند برای کارهای انسان، اثری دنیایی (آثار وضعی) قرار داده که شناخت آن به جهت خذلان یا نصرت الهی حائز اهمیت است، بعد مثبت آن را می‌توان در سلوک انسانهای صالح و عملیاتی شدن آثار مثبت اعمال نیک، بررسی نمود که بجهت الگوگیری و الگودهی، اهمیت مضاعف می‌یابد. روش: تحلیل واژگان و محتوا با استفاده از آیات قرآن و جنبه‌های مختلف کلام شهید در وصیتنامه‌اش، بعنوان شاخص‌های فعالیت‌های معرفتی، معانی اجتماعی یا سیاسی گفتار ایشان است. هدف: تبیین مبانی و آثار (کارکردها) سیره ولایت‌محورانه شهید با رویکردی قرآنی و تاکید بر وصیتنامه ایشان. یافته‌ها: سیره شهید برخواسته از مبانی اسلامیت که برخی از آنها عبارتند از: خداباوری، برخورداری از ایمان و عمل صالح، ولایت‌محوری، برخورداری از مقام رضا، شکرگزاری در همه حال و اخلاص در کارها، برونداد خداباوری: آزادی بندگی، مصونیت از تسلط شیطان، برونداد ایمان و عمل صالح: دستیابی به معنویت، سرعت و سبقت در کارهای خیر، محبت و علاقه وافر مردم به شهید و نیل به حیات طیبه و آثار اخلاص شامل: رهایی از خوف و ترس، دستیابی به رضوان الهی و موفقیت در کارهاست.

کلیدواژه‌ها: آثار وضعی اعمال، شهید سلیمانی، ولایت‌محوری، قرآن کریم.

۱. مقدمه

خلقت انسان متمایز از سایر مخلوقات است (مومنون -۱۴) که به جهت تکریم انسان از سوی خدای تعالی است (اسراء - ۷۰) از اینرو با دمیدن از روح خود در او (حجر -۲۹ و صاد -۷۲) و با بهره مند ساختنش از عقل، وی را بر سایر موجودات برتری داد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۱۵۶) او را موجودی چند بُعدی آفرید (حجر -۲۹) و برای وی، هدف از زندگی را تعریف و تبیین کرد (ذاریات - ۵۶) سپس وی را خلیفه خود در زمین قرار داد (بقره -۳۰) او را پویا و در حرکت آفرید (انشقاق -۶) همچنانکه قرآن کریم نیز بر سیر و حرکت بشر در زندگی دنیایش تاکید دارد، (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۴۲) و لوازم این حرکت به سوی هدف را نیز برای وی فراهم ساخت، در این زمینه مواردی چون: آفرینش انسان با فطرتی خداجو (روم -۳۰) الهام نیک و بد به او، به صورت ذاتی و نه اکتسابی، (شمس -۸) نشان دادن راه خیر و شر را بدو (بلد -۱۰) در همین راستا قابل ارزیابی است، همچنین برنامه زندگی را در قالب دین برای وی تدوین کرد (مائده -۳) تا به کمک آن بتواند به سرمنزل مقصود یعنی کمال و مقام عبودیت برسد، (مریم - ۳۰) برای وی رسولان (اسراء - ۱۵) و امام و راهنما قرار داد (حمد-۶) تا برنامه زندگی را برای وی تبیین کنند -روایات، امامان را مصداق صراط مستقیم دانسته‌اند (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۴) - تا از این رهگذر، او هیچگاه راه را گم نکرده (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۴۱۱) و حجت بر وی تمام شود. (یونس - ۴۷)

خدای تعالی پاداش و جزای انسانها و سنجش اعمال ایشان را به سرای دیگر واگذار کرد (اعراف - ۸) اما در این میان برای هر کاری که از بنده سر می‌زند اثری دنیایی قرار داد (قمر -۳) که این آثار اولاً برای بشر، پیش از بعثت رسولان الهی قابل درک و پیش‌بینی نیست، همچنانکه قرآن کریم برخی اهداف رسالت نبی مکرم اسلام (ص) را به ترتیب؛ تزکیه، تعلیم کتاب و حکمت و آموزش مواردی می‌داند (بقره - ۱۲۹) که برخی از این موارد بدون بیان و تبیین نبی مکرم اسلام (ص) هیچگاه برای بشر قابل دسترسی نبوده و نخواهد بود، تعبیر: "يَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ" (بقره -۱۵۱) به معنای آنست که نبی مکرم (ص) چیزهایی را به شما می‌آموزد که خودتان نمی‌توانستید آنها را فرا گرفته یا بدست آورید (سبزواری، ۱۴۱۹، ص ۲۸) زیرا دسترسی به این موارد تنها از طریق وحی برای انسان امکان پذیر است (شیر، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۶۲) که آثار وضعی (دنیایی) اعمال جزو همین موارد به شمار می‌رود.

گذشت که انسان نیازمند راهنماست، حال، این راهنما گاه پیامبر، گاه امام و گاه نائب عام امام است که در همه موارد یادشده اطاعتشان بر ما واجب است (نساء -۵۹) به عبارت دیگر همچنانکه اطاعت از خدا و رسولش بر ما واجب است اطاعت از نایبان عام امام نیز بر ما واجب است (طبرسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۴۵۸) بدیهیست با پیروی انسان از این راهنمایان، انسان به سرمنزل مقصود خواهد رسید

و بدون ایشان راه را گم خواهد کرد.

دو نکته مهم در این میان وجود دارد اولی؛ مبانی و پایه‌هایی است که زیربنای این برنامه و به کمال رسیدن انسان است و دومی؛ آثار و کارکردهایست که بر نوع رفتار و کردار انسانهایی که زیست مومنانه ولایت‌محورانه داشته و در طریق کمال بدان دست می‌یابند، بدیهی است وجود مبانی و کارکردهای مثبت آن مبانی در فرد، خود می‌تواند بیانگر درستی راه ایشان و نیز نشانه‌هایی از دستیابی ایشان به کمال باشد، مطالعه موردی این مبانی و کارکردهای آن، اثر بخشی باورها و رفتارهای فرد مورد مطالعه را در دستیابی به این نقطه برای ما روشنتر می‌سازد که در پرتوی این ظهور و بروز، مواردی چون اهمیت این آثار، لزوم الگوگیری از این افراد، نیز تبیین بهتر راه و نهراسیدن از مشکلات پیش رو و مواردی از این دست آشکارتر خواهد شد، به عبارت دیگر در این نگاه‌ها این نکته به عنوان پیش فرض دانسته شده که بینش و کنش (باورها و کارهای) انسان دارای مبانی خاص و آن مبانی نیز دارای اثر وضعی هستند، البته دنیا سرای پاداش یا جزا نیست همچنانکه امیر المومنین (ع) تاکید کردند که امروز روز عمل است نه حساب و فردا (=قیامت) روز حساب است و نه عمل (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۵۸) اما آثار وضعی اعمال اینچنین نیست بلکه این موارد در همین دنیا برای انسان به وقوع خواهد پیوست، چنانچه کار ما نیک باشد اثر نیک و در صورت بدی کار، اثری ناخوشایند در انتظار ما خواهد بود، (بقره - ۲۸۶) به عبارت دیگر خدای تعالی نظام هستی را به شکلی آفریده که نسبت به نیک و بد رفتار انسان واکنش نشان می‌دهد، (نحل - ۹۷) زیرا عمل انسان برای وی در همین دنیا نقش آفرین بوده (نجم - ۳۹) و آثار خوبی یا بدی وی در همین دنیا به او بازمی‌گردد (اسراء - ۷) زیرا عمل، اختصاص به عامل دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۴۰) و انجام دهنده کاری از نتایج کارش جدا نخواهد شد (فصلت - ۴۶) حال آیا می‌توان این مبانی و آثار را در زندگی افراد مختلف بررسی کرده و نتایج عینی آن، مطابق آنچه در قرآن کریم بدان اشاره رفته را دریافت کنیم؟ پاسخ این سوال مثبت است، همچنانکه آثار نیک در زندگانی نیکان می‌تواند بهترین شاهد بر این مسئله باشد، از اینرو در این نگاه‌ها تلاش شده تا مبانی و کارکردهای عینی آن در سیره و حیات برکت شهید سلیمانی با رویکردی قرآنی به رشته تحریر در آید.

۲. کلیات

در این قسمت به کلیات بحث پرداخته می‌شود:

۲.۱. مفهوم شناسی

در این قسمت به تبیین مفهومی واژگانی چون کارکرد، ولایت‌محوری و سیره پرداخته می‌شود.

۲. ۱. ۱. کارکرد

"کارکرد"، معادل واژه فانکشن ۱ و منظور از آن، اثر و پیامدی است که یک واقعیت اجتماعی در قوام، بقا و تعادل نظام اجتماعی از خود برجا می‌گذارد، بنابراین، آنچه مد نظر است اثر و پیامد فردی و حتی وظیفه یا فایده به طور کلی نیست، بلکه اثر یا پیامد در ارتباط با نظام خاصی مطرح است، ۲ در اینجا نیز نتایج و برون‌دادهای اجتماعی و حتی فردی‌ای مد نظر است که از رفتار، گفتار و به طور کلی سیره شهید سلمیانی ناشی شده و برای ما قابل لمس و درک است به گونه‌ای که می‌توان با گرده برداری از آن، مشابه آن را در افراد ایجاد کرده و به همان نتایج دست یافت که این موارد با بررسی آیات، قابل استناد سازی قرآنی نیز هست.

اساسا خداوند باری تعالی نتایجی را در همین دنیا بر کارهای انسان مترتب ساخته که اگر نیک باشد نیک و اگر بد باشد نتیجه اش منفی خواهد بود از این دست می‌توان به کیفیهایی اشاره کرد که رابطه علی و معلولی با جرم دارند، یعنی کیفر معلول جرم و نتیجه طبیعی آن است. این کیفیه‌ها را «مکافات عمل» یا «اثر وضعی گناه» می‌نامند، از اینرو باید گفت بسیاری از گناهان اثرات وضعی ناگواری در همین جهان برای گناهکار در پی دارد. مثلا شراب خواری علاوه بر زیان‌های اجتماعی، صدمات زیادی بر روان و جسم شراب خوار وارد می‌سازد. شرابخواری موجب اختلال اعصاب و تصلب شرائین و ناراحتی‌های کبدی می‌گردد. منظور از اثر وضعی همان اثر ذاتی است که با جرم و گناه پیوند ناگسستنی دارد و از آن جدا نمی‌گردد. مثلا اثر وضعی و ذاتی نوشیدن سم خطرناک، مردن است و مردن معلول این علت است و در نظام علت و معلول جهان هر چیزی موقعیت خاصی دارد و ممکن نیست علت واقعی، معلول واقعی را به دنبال خود نیاورد. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۲۸)

این مسئله در قرآن و روایات نیز قابل بررسی است مثلا قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف - ۹۶)

گر چه آیه شریفه، ناظر به وضع اقوام پیشین است ولی مسلما مفهوم آن یک مفهوم وسیع و عمومی و دائمی است و انحصار به هیچ قوم و ملتی ندارد و این یک سنت الهی است که افراد بی‌ایمان و آلوده و فاسد گرفتار انواع واکنشها در همین زندگی دنیای خود خواهند شد، گاهی بلاهای آسمان و زمین بر سر آنها می‌بارد، و گاهی آتش جنگهای جهانی یا منطقه‌ای سرمایه‌های آنها را در کام خود فرو می‌گیرد، و گاهی ناامنی‌های جسمانی و روانی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد، و به تعبیر قرآن، این وابسته به "کسب و اکتساب" و اعمالی است که خود انسان انجام می‌دهد که همه این موارد ذیل

۱. function

۲. برای توضیح بیشتر در این باره رک: توسلی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۱ و گی روشه، ۱۳۷۵، صص ۱۲۷-۱۲۸

همان آثار وضعی اعمال می‌گنجد. (تفسیر نمونه، ج ۶: ۲۶۷)

این مسئله در بعد مثبت آن نیز جریان دارد همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

"وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا"

یعنی هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می‌سازد!

که منظور از تقوا انجام دستورات الهی و اجتناب از نواهی خداست که در این صورت خدای

تعال کار دنیا و آخرت فرد را آسان می‌سازد. (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۹۰)

همچنین این مسئله در روایات نیز آمده به عنوان مثال در روایتی آمده است که:

"مَنْ رَوَى عَلَيَّ مَوْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مَرْوَتَهُ لَيْسَ قَطُّ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ

وَلَايَتِهِ إِلَيَّ وَ لَا يَأْتِي الشَّيْطَانَ وَ لَا يَقْبَلُهُ أَيْضًا الشَّيْطَانُ" (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳؛ ص ۶۴۲)

یعنی: هر کس روایت کند از مؤمنی چیزی را که خواهد او را عیناک کند و آبروی او را

کم نماید تا از چشم مردم بیفتد، خداوند عزّ شأنه او را از تحت ولایت خود بیرون و داخل در

ولایت شیطان کند و شیطان او را قبول نکند.

از این حدیث استفاده می‌شود کسی که در صدد آبروریزی مؤمنین باشد از نظر لطف و مرحمت

حق دور شده و شیطان هم او را به خود راه ندهد بدیهی است این نهایت بدبختی بنده است که

مرتبه‌اش در پستی بجائی رسد که شیطان نیز از او بیزاری جوید! از این رو این روایت و امثال آن،

انسان را به تأمل وادار می‌کند تا دریابد که اخلاق رذیله، دارای آثاری در دنیاست که در مورد

یادشده افزون بر آن که این گناه، خشم الهی را در بردارد اثر وضعی نیز دارد که از آن جدا نخواهد

شد که در موضوع بحث ما منفور شدن نزد توده مردم است که باعث می‌شود فرد از نظرها بیفتد و

محبوبیت خود را از دست بدهد. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص: ۲۱۳)

۲. ۱. ۲. سیره

"سیره" یعنی راه، روش (فیومی، بیتا، ج ۲: ۲۹۹) و سنت (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۸۹) و آن

حالتی نسبتاً پایدار است که انسان معمولاً بر آن حالت است، این مسئله می‌تواند غریزی باشد یا

فراگرفتنی (راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۳۳) که منظور از سیره در این نگاه‌شده همان حالتی است که فرد دائماً

بر آن بوده، زندگی خود را با این کیفیت سپری کرده و امری اتفاقی و گذرا نیست.

۲. ۱. ۳. ولایت

"ولایت" به کسر واو، از ماده "ول ی" به معنای سرپرست، (مفردات: ۸۸۵) تسلط، یاری و اداره

کننده امر (قاموس قرآن، ج ۷: ۲۴۸) آمده، علامه طبرسی ذیل آیه: "اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا" (بقره -

۲۵۷) فرموده: در آیه شریفه اینکه خدا ولی مومنان است یعنی یار و کمک ایشان است در نیازمندیهایشان و در آنچه صلاح و مصلحت ایشان است در امور مربوط به دین و دنیا و آخرتشان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۳۲) و مقصود از «ولایت» در جامعه ولایی «سرپرستی» است. (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲)

۲. ۱. ۴. ولایت محوری

منظور از ولایت محوری آن است که تمام شئون زندگی انسان در چهارچوب نظام ولایی سامان یابد (شفیعی، ۱۳۹۹، ص ۲۳) و منظور از نظام ولایی آن است که شخص یا اشخاصی براساس برنامه و قانون مشخص، اشیا یا اشخاص را حاکمیت و سرپرستی کنند تا آنان را در مسیر ترسیم شده به سوی هدف یا اهداف معین پیش ببرند (همان: ص ۲۴) پس منظور از «ولایت محوری» اینست که تمام شئون زندگی انسان در چهارچوب نظام ولایی سامان یابد (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۲۳) و در اینجا منظور آن است که فرد تحت رهبری و ولایت خدا، رسول، امام و جانشین عام امام، حرکت خود را انجام دهد که منظور از مورد اخیر همان ولایت فقیه در زمان غیبت امام زمان (عج) است.

۲. ۲. اهمیت و ضرورت بحث

اساسا هر کار خیر یا شر، خذلان یا نصرت الهی را در بر داشته (نهادی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱۰۳) و این نشان از اثر وضعی کارهای انسان در همین دنیا دارد، بدیهیست آگاهی از آثار وضعی اعمال نیک، مشوق و یاریگر انسان در رسیدن به هدف و همچنین عاملی بازدارنده جهت جلوگیری انسان از ورود در گناهان است، به عبارت دیگر بررسی آثار وضعی اعمال در مصادیق عینی و عملی آن، راه را برای پرهیز از گناه و انجام امور خیر هموار می کند، افزون برآنکه شناسایی دقیق این آثار اعمال، می تواند ملاکی برای صحت عمل یا عدم صحت شرعی و عقلی آن نیز باشد، همچنین این امر برای الگو دهی و الگو گیری نیز امری مهم به شمار می رود چرا که صرف معرفی کار نیک و بد، شاید اثر چندانی در افراد ایجاد نکند ولی چنانچه آثار نیک عمل و نیز پیامدهای منفی کارهای بد و اثرات مخرب آن برای افراد تبیین شود بسیار اثر گذار خواهد بود، همچنین در پرتوی تبیین الگوهای عملی و موفق در امور خیر، سنت های الهی نیز عملیاتی می شوند که این نکته نیز باعث اطمینان هر چه بیشتر انسان به راه و مقصد خود خواهد شد از اینرو مطالعه موردی افرادی که این ظرفیت وجودی خود را در راه رسیدن به کمال به منصه ظهور رساندند اهمیتی ویژه خواهد داشت.

در این میان انسان های وارسته از آثار مثبت کارهای نیک خود در پرتوی برخورداری از مبانی آن، بهره مند شده و نتایج آن را در همین دنیا دریافت خواهند کرد، همچنانکه شهید سلیمانی که

انسانی خداجو، ولایت‌محور، مخلص، فداکار و وظیفه شناس بود نیز از این آثار بی بهره نبود همچنانکه این موارد را می‌توان در زندگی این شخصیت بزرگ مورد بررسی قرار داد، بدیهیست این بررسی، معطوف به شخصیت ایشان است و نه شخص ایشان، چه اینکه شخص ایشان مانند انسانهای دیگر بوده و این شخصیت ایشان است که چنین مواردی را رقم زده، به عبارت دیگر اهمیت بررسی حیات و شخصیت افرادی مانند شهید سلیمانی ابعاد مختلفی دارد که از جمله آنها می‌توان به الگوسازی از ایشان و در ادامه فراخوانی دیگران به الگوگیری از آن، در زندگی فردی و اجتماعی اشاره کرد، نیز تحقق عینی وعده‌های الهی و اجرای سنتهای الهی برای ایجاد باور عمومی و عملیاتی بودن این سنتها در عصر حاضر و به طور کلی ایمان به این نکته که اساسا سنتهای الهی فرازمانی و فرامکانی‌اند و اختصاصی به زمین یا زمان یا افراد خاصی ندارند بلکه هر کس که در دایره و محدوده تعریف شده در سنتهای الهی قرار گیرد از آن سنتها بهره برده یا متضرر خواهد شد از دیگر مواردی است که اهمیت زیادی در بررسی زندگی این شهید دارد.

در ضرورت این مسئله هم باید گفت که اگر فرهنگ و مکتبی را که این افراد از آن برخوردارند را تبیین و عملیاتی نکرده و آن را بازگو نکنیم این فرهنگ حالت تئوری به خود گرفته و چه بسا از حالت عملیاتی خارج گردد، بدیهیست چنانچه مبانی و عناصری مانند شهادت طلبی، ولایت‌مداری، مردم‌خواهی، خلوص نیت، شکرگزاری، رضا به قضای الهی و مواردی از این دست در میان مسلمانان از بین برود آنگاه پیشبرد اهداف اسلامی با چالش مواجه خواهد شد از همین روست که قرآن کریم کرارا مسئله الگوگیری و الگودهی را در قالبهای مختلف بیان می‌کند همچنانکه گاه نبی مکرم اسلام (ص)، (احزاب - ۲۱) گاه حضرت ابراهیم (ع) (ممتحنه - ۴) و حتی گاه افراد غیر معصوم را به عنوان الگو معرفی می‌کند که این الگو در بسیاری از موارد با بیان ویژگیهای فردی یا افرادی که به عنوان اسوه معرفی می‌شوند همراه است (تحریم - ۱۱) و این تبیین، ضرورت مسئله را می‌رساند، چراکه انجام کاری با داشتن الگو بسیار آسانتر از کاری است که بدون الگو انجام شود.

۲.۳. روش شناسی پژوهش

این نگاشته با روش تحلیل واژگان و محتوا نگاشته شده که برای تحلیل محتوا در آن، از بسامد واژگان، وجه آرایش آنها در جملات، ساختار خطابه و کیفیت توضیح و بسط آن، همچنین از محاسبه بسامدهای نسبی یا همبستگی‌هایی که میان واژه‌ها به کار رفته، نیز دریافت اطلاعات و اظهار نظرهای این شهید عزیز که در وصیتنامه اش آمده استفاده شده، به عبارت دیگر در این مقاله، جنبه‌های مختلف صوری ارتباط کلامی ایشان به عنوان شاخص‌های فعالیتهای معرفتی، معانی اجتماعی یا سیاسی گفتار خود که از کلامشان (عمدتاً وصیتنامه شهید) قابل دسترسی بوده بهره گرفته شده است. این تحقیق به

صورت کتابخانه‌ای و منابع اصلی آن وصیت نامه شهید، آیات قرآن کریم، نظرات مفسران و صاحب‌نظران در موضوع مد نظر است، به این صورت که موارد مورد نظر از وصیت نامه شهید استخراج گردیده و پس از تبیین و توضیح عنوان، مستندات قرآنی آن نیز بررسی و یافت شده، در این میان و متناسب با موضوع مورد نظر - که گاه اخلاقی یا اعتقادی یا سایر موضوعات است - از دیدگاه صاحب‌نظران آن رشته نیز بهره‌گیری شده است.

۲،۴. پیشینه پژوهش

موضوع آثار وضعی اعمال امری است که می‌توان گفت کشف ارتباط آن با عمل تقریباً غیر ممکن است مگر از طریق وحی به عبارت دیگر این مسئله امری نیست که بتوان با آزمایش یا موارد دیگر حواس پنجگانه بدان پی برد بلکه تنها راه کشف این موارد فقط و فقط وحی است از اینرو بایستی این موارد را صرفاً در قرآن و روایات جستجو کرد بر این اساس می‌توان گفت که این آیات و روایات بودند که بشر را با آثار وضعی (= دنیایی) اعمال آشنا ساختند زیرا طبق آیه شریفه 151 سوره بقره پیامبر کسی است که مواردی را برای بشر تبیین کرده که اگر وی نبود این موارد هیچگاه بر بشر معلوم نمی‌شد و اساساً انسان راهی برای دریافت این موارد غیر از وحی پیش روی خود ندارد. بر این اساس بایستی خاستگاه مطالعاتی مسئله آثار وضعی اعمال را در آیات و سپس روایات جستجو کرد بدیهی است که این موارد در آیات و روایات به صورت پراکنده ذکر شده و تحت یک باب مشخص گردآوری نشده بود از اینرو پژوهشگران و نویسندگان مسلمان سعی در تبیین این مسئله داشته‌اند که مهم‌ترین و قدیمی‌ترین کتاب در این باره اثر مکتوب مرحوم صدوق در قرن چهارم با عنوان ثواب الاعمال و عقاب الاعمال است البته این کتاب به شرح و بررسی پاداش اخروی کارهای نیک و نیز عواقب سوء اخروی گناهان پرداخته اما در خلال این بحث موارد دنیایی این اعمال خوب و بد را نیز یادآور شده است در ادامه نیز پژوهشهای دیگری تحت عنوانی مانند نتایج دنیایی اعمال و یا آثار وضعی اعمال و مشابه آن در قالب کتاب مقاله یا پایان نامه به رشته تحریر در آمده مثلاً مقاله "نتایج دنیایی استغفار در قرآن کریم نویسنده: علیرضا نقی زاده" در مجله بشارت یا مقاله "ارتباط اعمال انسان با حوادث جهان، نویسنده: هنا الحویزی، در مجله پژوهشنامه کلام یا پایان نامه: "آثار وضعی اعمال در فرد از نگاه قرآن و روایات" نویسنده حرمت الله نصرالله پور از جمله آثاری هستند که با این رویکرد نگاشته شده‌اند.

۳. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این قسمت ابتدا به بیان برخی مبانی آثار اعمال اشاره می‌شود و سپس این موارد در رفتار و

گفتار شهید سلیمانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳.۱. خدا باوری

اساساً باور، امریست که در زندگی افراد نقش بسزایی دارد اهمیت این امر تا آنجاست که به جرات می‌توان گفت تقریباً تمامی رفتارهای انسان به نوعی بر آمده از باورها و اعتقادات اوست، اگر فردی حق الناس را رعایت می‌کند یا نسبت به آن بی اهمیت است خاستگاه هر دو رویکرد پیشگفته را بایستی در اعتقادات و باورهای وی جستجو کرد، همچنانکه قرآن کریم نیز بر این مسئله تاکید داشته (آل عمران - ۳۲) و مومنان را به اطاعت از دستورات الهی فراخوانده و به آثار آن هم اشاره کرده (نساء - ۱۳) که تحقق همه این موارد تنها در قالب بندگی است همچنانکه حضرت عیسی بزرگترین و اولین افتخار خود را بندگی خدا دانسته (مریم - ۳۰) و قرآن کریم نیز در برخی موارد افراد برگزیده را با عبارت "عبدالله" (جن - ۱۹) یا "عبدنا" (مانند بقره - ۲۳ و صاد - ۱۷ و جزآن) یاد می‌کند، بدیهیست این بندگی، یعنی تسلیم در مقابل خدا و شکستن بت درون، به گونه‌ای که اگر آدمی بتواند این من درونی، هواهای نفسانی، فرعون باطنی و شیطان داخلی را مهار کند آنگاه تمام امور اصلاح خواهند شد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۲/۶)

اساساً مسئله خدا باوری، امریست که تقریباً در تمامی قسمتهای وصیتنامه شهید، موج می‌زند همچنانکه ایشان در بخش زیادی از وصیتنامه خویش با خدای تعالی گفتگو کرده و او را مخاطب خویش ساخته که این امر از خدامحوری ایشان حکایت دارد زیرا ایشان، همه آفات خود را متصل به خدای تعالی دانسته و پیرامون آنها با خدای خویش گفتگو و راز و نیاز می‌کند شاهد دیگر این مسئله، آغاز وصیتنامه با شهادتین و ادامه آن با سپاس خدا به خاطر نعمتهایست که به این شهید عنایت فرموده است.

۳.۲. ایمان و عمل صالح

ایمان مصدر باب افعال، از ماده «أ - م - ن» و در لغت بمعنی ایجاد آرامش و اطمینان در قلب دیگری یا خود است، از دیگر معانی کاربردی آن، می‌توان به تصدیق خبر کسی بخاطر اطمینان یافتن از صحت آن و زائل شدن ترس، اضطراب و وحشت اشاره کرد. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۱۳۳) مشتقات ماده «امن» حدود ۹۰۰ بار در قرآن کاربرد دارد (عبدالباقی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳ ببعده) که بیشتر در ساختار باب افعال و با عبارت: «الذین آمنوا» آمده، بدیهیست منظور از این گروه در بیشتر موارد مسلمانانند (بقره - ۱۸۳) اما درباره معنای اصطلاحی آن باید گفت نزد متکلمان شیعه، ایمان با معرفت یکسان است زیرا از نظر ایشان، عمل از آثار خارجی این علم و معرفت است، زیرا وجود، عدم یا

ضعف ایمان هر کسی با معیار تطابق اعتقادات دینی او با عالم واقع سنجه می‌شود، از اینرو شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) بر آنست که ایمان، علم و معرفت فلسفی به واقعیت‌های جهان بوده و خصوصیتی عقلی و در نتیجه مانا و پایدار دارد. (مفید، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۹۰) همچنین در میان شیعه بزرگانی هستند که جایگاهی ویژه برای عنصر عمل در تعریف ایمان قائل‌اند، همچنانکه علامه طباطبایی با عدم پذیرش تعریف ایمان به تصدیق محض، التزام عملی به برخی از لوازم ایمان را بخشی از تعریف آن دانسته و به آیاتی استناد می‌کند که در آنها به پیوستگی ایمان و عمل صالح اشاره شده (مانند بقره - ۲۵ و ۸۲ و ۲۷۷ و جز آن) زیرا از دیدگاه ایشان فرد، تنها در صورتی مؤمن است که ولو اجمالاً به ایمانش عمل کند. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۶؛ ج ۱۸: ۱۵۸ - ۱۵۹)

در تعریف کلی و جمع بندی از ایمان می‌توان گفت ایمان یعنی: «اقرار قلبی و زبانی به اینکه فقط خدای تعالی دارای وصف الوهیت و مستحق پرستش است، نیز پذیرش نبوت و خاتمیت پیامبر اکرم (ص) و گردن نهادن به همه دستورات قرآن کریم». (جامی، بی‌تا، ص ۱۷ و آملی، بی‌تا، ص ۵۹۰-۵۹۱) درباره عمل صالح نیز باید گفت: مفهوم عمل صالح تقریباً مشخص است و در فارسی از آن با عنوان «عمل نیک» یاد می‌شود، قرآن کریم آن را در مواردی در برابر «عمل سوء» قرار داده و به این وسیله، تفسیر آن به «عمل نیک» را تایید کرده و می‌فرماید:

"مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا" (جائیه - ۱۵)

«هر کس کار نیک انجام دهد به سود خود و هر کس کار بد انجام دهد به زیان خود، انجام داده

است.»

در آیات دیگری از قرآن کریم نیز عمل صالح در برابر «عمل سوء» قرار گرفته (مانند: نساء - ۱۲۳-۱۲۴ و انعام - ۵۴ و جائیه - ۲۱ و جز آن) که بیانگر آنست که منظور از عمل صالح همان عمل نیک است که در برابر و مخالف «عمل بد» است.

طبق تعریفی که از ایمان گذشت باید گفت شهید در طلیعه وصیتنامه خود، با اقرار قلبی و زبانی به اینکه فقط خدای تعالی دارای وصف الوهیت و مستحق پرستش است، نیز پذیرش نبوت و خاتمیت پیامبر اکرم (ص) و گردن نهادن به همه دستورات قرآن کریم، ایمان را عینیت بخشیده، آنجا که شهادت به الوهیت خدا داده - "اله" به معنای معبود (فیضی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۵۲۱) و کسی است که شایسته پرستش است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۲۲۳) - و نیز شهادت داده که نبی مکرم اسلام (ص) و اهل بیتش (ع) حجت‌های الهی بر بندگان هستند، همچنین ایشان بر ولایت محوری هم تاکید می‌کند چرا که بحث ولایت نیز بحثی اعتقادی و به اصطلاح کلامی است (جوادی آملی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۱) که عبارت بعدی به درک امام خمینی ره و سرباز او بودن و سپس به همین جایگاه خود نسبت به مقام معظم رهبری اشاره دارد که همه این موارد در غالب ایمان و باور می‌گنجد.

همچنین بیان خالی بودن دست و کوله، به ضرورت نیاز انسان به عمل صالح اشاره دارد اما ایشان تاکید می‌کند که به یک عمل صالح خود امید دارد و آن گوهر اشکی است که بر اهل بیت (ع) و در دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم ریخته شده، همچنین ایشان امید خود را به پذیرش عباداتش مورد اشاره قرار داده که از آن گاه با تعبیر قرار دادن دست بر زمین و زانو بدان اشاره کرده و گاه نیز جهاد در راه خدا را عنوان کرده که از آن با به دست گرفتن اسلحه، تعبیر کرده که همه این موارد در راستای عمل صالح قابل ارزیابی است.

۳.۳. اخلاص در کارها

"اخلاص"، مصدر باب افعال از ریشه (خ ل ص) و در لغت به پیراستگی و مذهب بودن چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۰۸) رسیدن، نجات یافتن، کناره‌گیری کردن از دیگران و ویژه خود گردانیدن (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۱۶۹) خالص کردن، پاک گردانیدن و برگزیدن (ابن منظور، ۱۴۱۴؛ ج ۷: ۲۶) از دیگر معانی لغوی اخلاص است.

مقصود از اخلاص در فقه اسلامی، پاک کردن نیت از غیر خدا و انجام دادن عمل برای خداست (حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۰) و آن، شرط صحت واجبات و مستحبات تعبدی است از این رو هر چیزی که موجب از بین رفتن اخلاص در این گونه اعمال شود، جایز نبوده، موجب بطلان عمل خواهد بود، مانند ریا کردن در اعمال یا در بخشی از آنها (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۱۵۵ بعد) البته پرستش خداوند برای خوف از عقوبت الهی یا به انگیزه ثواب و نعمت پروردگار، اخلاص در عمل را از بین نمی‌برد. در اخلاق نیز، نیت اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا از آن به عنوان رکن و پایه رفتار و روح عمل یاد شده به گونه‌ای که نبودن نیت درست باعث بی‌ارزش شدن عمل می‌شود. (مکارم، ۱۳۸۴، ج ۱: ۷۵)

در عرفان، اخلاص به پیراستگی عمل از هر گونه آمیختگی تعریف شده (انصاری، ۱۳۷۹، ص ۶۸) در حقیقت با تحلیل دین - که مجموعه معارف الهی و مسائل اخلاقی و احکام عملی است - تنها به یک نکته خواهیم رسید و آن اخلاص است، یعنی اینکه انسان، ذات، صفات و افعالش را بر این اساس قرار دهد که همگی آنها برای خداوند واحد قهار باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۶۲)

واژه اخلاص در قرآن کاربردی ندارد اما در آیات بسیاری به انواع گوناگون به آن پرداخته شده که در یک تقسیم‌بندی جامع، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

یکم: آیاتی که با استفاده از مشتقات خلوص، موضوع اخلاص را با صراحت مطرح می‌کنند. مشتقات خلوص، ۳۱ بار در قرآن آمده که بیش تر آنها به موضوع اخلاص مربوط است: مانند: بقره - ۱۳۹، اعراف - ۲۹، غافر - ۱۴ و جز آن.

دوم: آیاتی که با واژه‌ها و تعبیرات مترادف و متلازم با اخلاص به این موضوع پرداخته‌اند.

مواردی مانند انحصار عبادت در خداوند (حمد - ۵ و یوسف - ۴۰)، انجام طاعات و عبادات برای خدا (لله) (بقره - ۱۹۶، انعام - ۱۶۲، سبأ - ۳۴، ۴۶)، روی نهادن به سوی خدا و دل بردن از غیرش (بقره - ۱۱۲، آل عمران - ۲۰)، انجام کار برای وجه الله (انسان - ۹، کهف - ۲۸) و در طلب رضایت الهی (بقره - ۲۶۵، آل عمران - ۱۷۴)، انجام عمل در راه خدا (بقره - ۱۵۴ و ۲۶۱)، عدم درخواست اجر از سوی پیامبران (شعرا - ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰)، حنیف و حق گرا بودن (آل عمران - ۶۷)، صداقت در توبه (نصوح) (تحریم - ۸) و برخورداری از قلب سلیم در همین راستا به شمار می‌رود. (شعراء - ۸۹)

سوم؛ آیاتی که با نفی شرک و ریا به موضوع اخلاص اشاره می‌کنند.

از آن‌جا که اخلاص، انجام دادن عمل فقط برای خدا است، با شرک و ریا که انجام دادن عمل برای غیر خدا است، جمع نمی‌شود، برخی از این آیات عبارتند از: کهف - ۱۱، نساء - ۱۴۲، بقره - ۲۶۴ -

اساسا و از نظر قرآن، اخلاص و خلوص عمل در انسان یکی از اسرار الهی است که این حالت تنها در قلوب مومنان واقعی ایجاد شده و نوعی رابطه کمالی میان انسان و خدا را به نمایش می‌گذارد و بندگان محبوب خدا با برخورداری از چنین حالتی از سر الهی سود می‌برند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۰۹)

اخلاص از مواردی است که می‌توان مصادیق آن را در سیره شهید ملاحظه کرد، ایشان در ابتدای وصیتنامه خویش به وحدانیت خدا شهادت می‌دهند که این امر یعنی برائت و بیزاری از شرک که دسته سوم از آیاتی بود که درباره اخلاص معنای آنها گذشت، همچنین ایشان در وصیتنامه خویش به بلند کردن دستها به سوی خدا و قرار دادن زانو بر زمین (کنایه از دعا و عبادت و نماز) و نیز برگرفتن سلاح و نیز حالات مختلف خود (دویدن، خزیدن، افتادن، بلند شدن و...) برای دفاع از دین خدا اشاره دارد که این موارد نیز بر دسته دوم از آیات (تعبیرات مترادف و متلازم با اخلاص) اشاره دارد، همچنین ایشان در بیانات خویش، خود و اطرافیانش را ملت (پیرو) امام حسین (ع) دانسته و با فراخوانی دشمن به نبرد، بیان می‌دارد که در راه دفاع از دین خود از هیچ کاری فروگذار نکرده و در این راه ترسی از دشمن به خود راه نمی‌دهد که این موارد نیز به دسته اول از موارد پیشگفته اخلاص اشاره دارد.

۳.۴. ولایت محوری

اساسا «ولایت محوری» یکی از اساسی‌ترین ارکان شریعت اسلام است که التزام به آن خیرات فراوانی را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد همچنانکه عدم التزام به آن نیز باعث محرومیت انسان‌ها

از رحمت و برکات خداوند شده و گرفتاری‌های بی شماری برایشان در پی دارد مؤید آن روایتی از امام باقر (ع) است که ایشان مهمترین و پایه‌ای‌ترین مسئله دین را ولایت دانستند، (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۸۶) امام خامنه‌ای نیز ولایت را به معنای حکومت و چیزی که در جامعه اسلامی به خدا تعلق دارد دانستند که این امر از خدای تعالی به پیامبر و از او به ولی مؤمنین می‌رسد و آن نشانه و سایه توحید است. (بیانات مقام معظم رهبری: ۱۳۷۰/۱۰/۲۹)

عمق اعتقاد شهید به ولایت را می‌توان در دیدارهایشان با رهبری معظم انقلاب دید که چگونه متواضعانه و با کمال تواضع در مقابل ایشان ظاهر می‌شود (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۳۶۱) بدیهی است که این امر در شهید سلیمانی در حد اعلائی خود بروز و ظهور داشت چه در غیر این صورت این همه موفقیت برای وی هرگز حاصل نمی‌شد، افزون بر آنکه ایشان در وصیت نامه خود با اشاره به نیازمندی دائمی جهان اسلام به رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم، بر احیای اسلام توسط حضرت امام خمینی ره تاکید کرده و ولایت فقیه را به عنوان تنها نسخه نجات بخش امت اسلامی قلمداد کرده‌اند، ایشان شیعه و سنی را به دور از هر گونه اختلاف، به تمسک به ولایت توصیه کرده و آسیب دیدن آن را وارد شدن آسیب به خانه خدا، حریمهای شریف آل الله و قرآن عنوان کردند، ایشان در بخش دیگری از وصیتنامه خود، با فراخوان دیگران به مراقبت از اصول، منظور از "اصول" را ولی فقیه و مصداق کنونی آن را مقام معظم رهبری دانسته و بر حفظ و حرمت آن تاکید کردند نیز ایشان خدای تعالی را شکر می‌کند که وی را سرباز امام خمینی (ره) و سپس مقام معظم رهبری قرار داد که همه موارد پیشگفته در راستای ولایت محوری ایشان قابل ارزیابی است.

۵.۳. برخورداری از مقام رضا

منظور از "رضا" رضایت بنده از خداست که یکی از مهمترین ویژگی‌های یک سالک در طی طریقتش به شمار می‌رود همچنانکه قرآن کریم یکی از ویژگیهای نفس مطمئنه را برخورداری از مقام رضا دانسته (فجر - ۲۸) که دارای مصادیق مختلفی است، از جمله: خشنودی به قضای الهی، (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۰۵) و خشمگین نشدن بر آن (شبر، ۱۳۷۴، ص ۲۳۲) آرامش قلب در زمان جریان مشیت الهی (غزالی، بی‌تا، ص ۸۵) فنای اراده بنده در اراده خدا (کاشانی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۴) و اینکه حال بنده به گونه‌ای باشد که احوال مختلف مثل مرگ و زندگانی، بقا و فنا و دیگر حالات، مخالف طبع او نبوده و نزد او، یکی بر دیگری ترجیح نداشته باشد. (طوسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۸۸ و گیلانی، ۱۳۷۷، ص ۵۴۰)

شهید در وصیت نامه خود مکرر از خداوند سپاسگزاری می‌کند بدیهیست که سپاس، نشانه رضاست چه اگر کسی راضی نباشد تشکر و سپاس معنایی ندارد، همچنین شهید با عبارت: "دوست

دارم " خدا را مخاطب خود قرار داده و چندین بار نیز آن را در کلام خود تکرار کرده، همچنین ایشان از خداوند به عنوان معشوقش یاد کرده که همه این موارد، نشانه‌های از مقام رضای این شهید است زیرا اساسا دوست داشتن، عشق ورزیدن و محبت، پایه و اساس رضا محسوب می‌شود (فاضل مقداد، ۱۴۲۰، ص: ۱۱۷) و تنها در این صورت است که هر آنچه از محبوب سرزند برای فرد، نیکو و خوشایند خواهد بود. (نراقی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۲۰۲)

۳.۶. شکرگزاری در همه حال

"شکر" در لغت، به معنای شناختن احسان، نشر و ستایش صاحب آن یا آشکار کردن و تصور نعمت و مخالفتش کفر است که فراموش کردن نعمت و پوشاندن آن دانسته شده، (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۴۲۳) انواع شکر نیز سه گونه است: ۱. شکر قلبی (تصور نعمت)؛ ۲. شکر زبانی (ستایش نعمت دهنده)؛ ۳. شکر دیگر اعضای بدن که احسان به نعمت دهنده به اندازه استحقاقش است، (راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۶۱) اما شکر اصطلاحی همان شکر در برابر خداوند است که به معنای اعتراف به نعمتهای الهی، انجام طاعت و ترک معصیت است، از این رو به دو قسم شکر زبانی و شکر عملی قسمت می‌شود. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۵۴) برخی علمای اخلاق نیز شکر را بازشناسی نعمت از نعمت دهنده، خوشحال بودن به آن و بروز رفتار متناسب با مقتضای این شادی از روی تصمیم قلبی به انجام دادن کار نیک و به کارگیری آن نعمت در راه طاعت وی دانسته‌اند (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۷۰۶) همچنین، شکر، قدردانی از نعمت منعم دانسته شده که آثارش در قلب، زبان و رفتار بروز داشته باشد که در اولی به صورت خضوع، خشوع، محبت، خشیت و مانند آن‌هاست و در زبان به شکل ثنا، مدح و حمد و در افعال و اعمال ظاهری به شکل اطاعت و به کارگیری جوارح در راه رضای نعمت دهنده است. (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۳) همچنین معانی دیگری نیز برای این فضیلت برشماری شده چون اعتراف به نعمت با نوعی بزرگداشت نعمت دهنده (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۸۲) درک این نکته که هیچ کس توان برآمدن از شکر الهی را ندارد (قشیری، ۲۰۰۰، ج ۳: ۴۰) آشکار کردن و اظهار نعمت از راه باور، گفتار و عمل (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۵۲) شناخت درست نعمت و به کارگیری درست و به جای آن (بعوی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۱۳۱؛ خازن، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۲۱) و به کار گرفتن همه ابعاد جوارحی و جوانحی خویش در مسیری که خدای تعالی آنها برای آن آفریده است. (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱: ۲۷۶)

اهل بیت علیهم السلام نیز ماهیت این فضیلت را شناخت قلبی نعمت، حمد خدا بر هر نعمت مربوط به دارایی یا خانواده و ادای حق مال (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۹۶) و پرهیز از محرمات الهی (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۴) دانسته‌اند.

اما درباره مصادیق شکر الهی در وصیتنامه شهید باید گفت اگر مصداق شکر را به معنای اعتراف به نعمتهای الهی بدانیم، باید گفت که سپاس ایشان بر نعمتهای الهی که خدا به ایشان ارزانی داشته جزو اولین عبارت شهید در وصیتنامه اش است (خدایا! تو را سپاس میگویم بخاطر نعمت هایت!) که این نشان از اهمیت شکر گذاری و قدردانی از نعمتهای الهی در وجود این شهید دارد.

همچنین درباره شکر عملی و اینکه مصداق شکر به کارگیری نعمت در جای مناسب خود است هم باید گفت که ایشان به طواف خانه خدا و نیز زیارت قبور ائمه هدی (ع) و نیز دفاع از دین و تلاش و کوشش بسیار در این راه و حالات مختلفی که بر ایشان بر اثر این تلاشها و به کارگیری نعمت حیات و تواناییهای دیگر ایشان، بر شهید عارض شده سخن به میان آورده‌اند که حکایت از این دارد که شهید نعمتهایی را که خدا به ایشان داده در جایگاه صحیح خود بکار گرفته که این نیز خود مصداقی از شاکر بودن ایشان دارد.

همچنین گذشت که یکی از مصادیق شکر، آنست که نعمتها در قلب مانند خضوع، خشوع، محبت، خشیت و مانند آنها و در زبان فرد به شکل ثنا، مدح و حمد و در افعال و اعمال ظاهری به شکل اطاعت بروز و ظهور داشته باشد، در همین راستا تاکید ایشان بر خالی بودن دست و لرزش پاها به هنگام عبور از صراط، همچنین درخواست برای پذیرفته شدن خود در بارگاه الهی آن هم به صورت پاکیزه و شایسته، کنار زدن و کنار گذاشتن همه چیز جز اشتیاق به لقای الهی و جوار قرب او، شواهد دیگری از مصادیق خضوع، خشوع و... به شمار می‌رود چراکه ایشان در وصیتنامه خود به خدا چنین عرضه می‌دارد که: "یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن‌چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!"

۴. یافته‌های پژوهش

آنچه در بحث مبانی ذکر شد دارای آثار و کارکرد دنیایی هستند که به جهت محدودیت صفحات به سه مورد اول یعنی خدامحوری و ایمان و عمل صالح و اخلاص آنهم به صورت خلاصه پرداخته می‌شود:

۴.۱. آثار خداباوری

این مسئله آثاری را در دنیا برای فرد به همراه دارد که در ادامه ذکر می‌گردد:

۴.۱.۱. آزادی بندگی

یکی از آثار خداباوری، آزادی بندگی است زیرا شخص خداباور، با یکتا دانستن خداوند، بر

آنست که او بر همه چیز توانا بوده و تمامی موجودات مخلوق اویند، چنین شخصی هیچ گاه در برابر دیگران به تملق و چاپلوسی نخواهد پرداخت در عین حال که نیرومندترین قدرت‌ها و شکوه‌مندترین ثروتها نیز نمی‌تواند وی را به بندگی و فروتنی و کرنش در برابر غیر خدا وادار کند زیرا او تنها در پیشگاه خدای یکتا سر به سجده گذارده و تسلیم او می‌شود، همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«فَالَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا» (حج-۳۴) (خدای شما خدائی است یکتا، در برابر او تسلیم شوید).

این مسئله را از روح حاکم بر وصیتنامه شهید می‌توان به دست آورد زیرا ایشان در بیش از نیمی از وصیتنامه خویش، به راز و نیاز با خدای تعالی پرداخته و او را مخاطب خویش ساخته، همچنین ویژگی‌های که شهید با آن خصائص خدای تعالی را مخاطب قرار داده، قادر و رزاق است؛ یعنی شهید، فقط خدای تعالی را موثر در وجود می‌داند و نیز او را رزاق عنوان کرده که این مسئله نیز تاکید دارد که او به کسی یا چیزی غیر او دل نبسته و برای بدست آوردن روزی خود، تنها به درگاه او روی می‌آورد، همچنین اینکه ایشان با تمامی وجود خود را در برابر خدا قرار داده (سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من...) و درخواست پذیرش خود از سوی خدای تعالی، همگی حاکی از دل بستگی همه جانبه و سرسپردن ایشان فقط به خدای تعالی دارد که همه این موارد برون داد خدا باوری ایشان محسوب می‌شود.

۴. ۱. ۲. مصونیت از تسلط شیطان

قرآن کریم درباره مومنان متوکل بر خدای تعالی می‌فرماید:

"إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ" (نحل: ۹۹-۱۰۰)

"سلطان" در آیه شریفه به معنای "ولایت و سرپرستی" نووی، ۱۴۱۷، ج: ۱، ۶۰۵) و منظور از "یتوکلون" اطاعت و پذیرش دستور دانسته شده (میبدی، ۱۳۷۱، ج: ۵، ۴۴۸) اساسا کسانی که توجّهشان فقط به خدای تعالی بوده و قلبهایشان را برای خدا خالص گردانیده‌اند شیطان نمی‌تواند بر ایشان تسلط و سیطره یابد زیرا در این حالت، کید شیطان، ضعیف و یقین ایشان قوی خواهد شد، (آل‌غازی، ۱۳۸۲، ج: ۴، ۲۵۰) به عبارت دیگر، هر زمان که شیطان ایشان را وسوسه نماید به دلیل پیوند این افراد با خدای تعالی، از شیطان پیروی نخواهند کرد، اما کسانی که ولایت شیطان را پذیرفته‌اند شیطان ایشان را با شهوات و مانند آن، به سوی خود فرا می‌خواند، (سید قطب، ۱۴۲۵، ج: ۴، ۲۱۹۴) همچنین مومنان، بر امور ناخوشایند صبر کرده و نگران آسیب‌هایی که در راه حق، مثل جهاد بر ایشان وارد می‌شوند نیستند چرا که فایده ایمانشان نوریست که امور ناخوشایند را از آنان می‌زداید. (قاسمی، ۱۴۱۸، ج: ۶، ۴۰۸)

بدیهی است قرائنی مانند بیان شهادتین در ابتدای وصیتنامه و در ادامه حیات سراسر ولایت مدارانه ایشان که خود را سرباز و پا در رکاب امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری می‌داند، (عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم...) نیز ذکر این نکته در وصیتنامه که ایشان در شرایط مختلف خود را در حال اطاعت از باری تعالی معرفی می‌کند (پاگذاردن در خانه خدا و حرم اهل بیت ع و دفاع از دین و فعالیت‌های مختلف دیگر در همین راستا) مستندات دیگری بر اطاعت دائمی از خدای تعالی و بی‌بهره بودن شیطان از تصرف در این شهید والا مقام دارد.

۲.۴. آثار ایمان و عمل صالح

ایمان و عمل صالح آثاری دارد که به صورت خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۲.۴.۱. دستیابی به معنویت

"معنویت" در اصطلاح به معانی: ارزشهای اخلاقی، (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۲: ۶۷۰) دین، (همان، ج ۲۳: ۶۷۹) حقیقت اسلام، (همان، ج ۱۸: ۳۱) یا تلاش در جهت درک رابطه با وجود متعالی (مصباح، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۵) برقراری ارتباط فکری، روحی روانی و درونی با عالم ماورای ماده و متعالی، (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۱۷۱) نیز دین عقلانیت یا دین عقلانی شده، (ملکیان، ۱۳۸۱، ص ۲۷۳) لب و گوهر ادیان (ملکیان، ۱۳۸۱، ص ۳۱۶) و امری واقعی که غایت زندگی انسان است، همچنین غیب و ملکوت، سیر و سلوک، حالات عرفانی و صفای دورنی یا حالت قلبی حاصل از ارتباط با عالم معنا عنوان شده است.

مصادیقی از رسیدن به معنویت را می‌توان در وصیتنامه شهید رهگیری کرد همچنانکه ایشان خدای تعالی را سپاس می‌گوید چرا که خداوند ایشان را به واسطه امام راحل (ره) و در ادامه بواسطه امام خامنه‌ای در راه معصومین (ع) قرار داده که خود نشانه‌ای از نیل شهید به معنویت است و چه معنویتی از این بالاتر که انسان در راه قرآن و اهل بیت (ع) ولایت قرار گیرد؟ همچنین یادکرد و تشکر از خدا بابت مانوس بودن خود با بندگان صالح خدا یعنی مجاهدان و شهیدان، همچنین تلاش و دعا برای رسیدن به مقام شهادت (از قافله جا مانده ام) و اعلام آمادگی برای دریافت این موقعیت از سوی خدای تعالی، دل بستن به باری تعالی، محبت خدای تعالی را در دل داشتن، تنها او را اراده کردن و درخواست اتصال به ذات باری تعالی (... دوستت دارم... جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن...) نیز مویذات دیگری برای رسیدن شهید به معنویت به شمار می‌رود.

۲.۴.۲. سرعت و سبقت در کارهای خیر

قرآن کریم درباره سبقت در کارهای خیر می‌فرماید:

"سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ" (حدید - ۲۱)

منظور آیه شریفه اینست که مسابقه بین انسانها در کارهایشان (ابن ابی زینین، ۱۴۲۴، ص ۳۹۲) باید در کسب مغفرت الهی باشد نه جمع اموال و اولاد! (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۹: ۵۳۰) همچنین توبه از گناه، (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۳۸۱) انجام اعمال صالح، (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۰۸) مانند نمازهای پنجگانه (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴: ۲۴۳) و قرار گرفتن در خط مقدم جبهه و جنگ با دشمنان اسلام (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵: ۲۶۷) و به طور کلی هر چیزی که انسان را به رستگاری در آخرت برساند (طبرسی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۳۸۱) از دیگر مصادیق سبقت در آیه شریفه به شمار آمده است، همچنین قرآن کریم درباره تسریع در این مسئله نیز می‌فرماید:

"وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (آل عمران - ۱۳۳)"

که معنای این آیه شریفه تقریباً مانند آیه پیشگفته است. (خازن، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۹۶) در سیره شهید ملاحظه می‌کنیم که ایشان همیشه در خط مقدم نبرد با دشمنان بودند چه در دوران دفاع مقدس، چه در مبارزه با اشرار شرق کشور و چه در مبارزه با داعش و دیگر صحنه‌ها، زیرا یکی از مصادیق سبقت در آیه شریفه همین حضور در خط مقدم جبهه دانسته شده، همچنین ایشان با وجود اشاره به فعالیت‌های مختلف خود مانند طواف خانه خدا، زیارت عتبات عالیات، قرار گرفتن در سنگر مبارزه و... اما در پایان از خدای تعالی طلب بخشش و غفران می‌کنند که این مطلب نیز مصداقی از عملیاتی شدن دستور الهی در آیه شریفه (سابقوا إلى مغفرة) به شمار می‌رود.

۴. ۲. ۳. محبت و علاقه مردم به شهید

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

"إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (مریم - ۹۶)"

یعنی: "مسلمانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می‌دهد!"

اساساً محبت و پیوند قلبی امری نیست که بتوان آن را با امور مادی مانند مال و امثال آن ایجاد کرد همچنانکه قرآن کریم به نبی مکرم اسلام (ص) تاکید می‌کند اگر تمامی گنجینه‌های زمین را خرج کنی که بین چند نفر یا چند گروه محبت و الفت ایجاد کنی هرگز موفق به دستیابی به چنین هدفی نخواهی شد (انفال - ۶۳) زیرا محبت امریست که از نمان خانه قلب و اعماق روح انسان برمی‌خیزد، بدیهی است که قلب و روح انسان در تسخیر خدای تعالی است و آن را هرگونه که

صلاح بداند منقلب یا متحول می‌گرداند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۴۱۴) از اینرو تنها خدای تعالی است که محبت را در دل افراد ایجاد می‌کند زیرا دلها فقط به دست خداست، (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۰: ۵۷) اما مقدمات آن به دست ماست که از جمله آنها می‌توان به ایمان و عمل صالح اشاره کرد. اساساً ایمان و عمل صالح، جاذبه و کشش فوق العاده‌ای دارد زیرا اعتقاد به یگانگی خدا و دعوت پیامبران که بازتابش در روح، فکر، گفتار و کردار انسان به صورت اخلاق عالی‌ه انسانی مانند: تقوا، پاکی، درستی، امانت داری، شجاعت، ایثار و گذشت، تجلی کند، همچون نیروهای عظیم مغناطیس، دارای جاذبه و رباینده است گستره این مطلب تا بدانجاست که حتی افراد ناپاک و آلوده نیز از رفتار و کردار پاکان لذت برده و از ناپاکی‌های خود بیزارند، از اینرو نخستین پاداش خدا به مؤمنان و صالحان، قرار دادن محبت ایشان در دل دیگران است، همچنانکه با از دنیا رفتن افراد پاک سیرت، دیده‌ها برای آنها گریان می‌شود و مردم مکنونات قلبی و محبت خود را نسبت به این افراد اظهار می‌دارند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۴۵) و این وعده‌ای از سوی خدای تعالی است که این محبت را در دل دیگران برای فرد نیکوکار ایجاد نماید. (نوی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۹)

این مسئله درباره شهید نیاز به تبیین ندارد زیرا مصادیق گوناگونی را می‌توان برای آن برشمرد که بهترین و آشکارترین آنها مراسم تشییع پرشکوه ایشان پس از شهادتشان در شهرهای مختلف ایران یا عراق است که شاید به جرات بتوان گفت پس از انقلاب اسلامی - غیر از مراسم تشییع و وداع با پیکر مطهر امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۸ - هیچگاه میهن اسلامیمان شاهد چنین مراسم وداع با شکوهی نبوده و این مشارکت عظیم به گونه‌ای بوده که چندین نفر در اثر ازدحام جمعیت جان خود را از دست دادند (aftabnews.ir) و حتی افرادی که بعضاً موافقت چندانی هم با نظام اسلامی و انقلاب نداشتند نیز در این مراسم شرکت کرده بودند که این موارد، حاکی از محبت قلبی آنان نسبت به شهید والا مقام است.

۴.۲.۴. نیل به حیات طیبه

قرآن کریم در باره حیات طیبه می‌فرماید: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل - ۹۷)"
"حیات" در قرآن کریم به معانی مختلفی ذکر شده که بیانگر مراتب آن نیز هست این موارد شامل زندگی نباتی حیوانات و گیاهان (مانند نحل - ۶۵) زندگی حیوانی (مانند بقره - ۲۶۰ و ۲۵۸) حیات اندیشه و فکر (انعام - ۱۲۲) زندگی جاودان در سرای دیگر (مانند فجر - ۲۴ و عنکبوت - ۶۴) و حیات بدون مرگ است که مورد اخیر فقط درباره ذات باری تعالی مصداق دارد، (آل عمران - ۲ و غافر - ۶۵) تقسیم بندی دیگر در این باره حیاتیست مفهومی که در تقابل بین دنیا و آخرت قرار

می گیرد. (مانند بقره -۸۶)

در کنار تعاریف یادشده از حیات، تعریف دیگری نیز وجود دارد که همان حیات معنویست همچنانکه قرآن از یکتاپرست به زنده [دارای حیات معنوی و طیب] یاد کرده و کافر را مقابل او دانسته زیرا کافر را مانند مُرده به حساب آورده (مکی، ۱۴۲۹، ج ۴: ۲۷۸۲) و اساساً چنین فردی از حیات عالی و طیب انسانی به دور است (انعام - ۲۲) از اینرو انسان یا زنده است یا کافر (یس - ۷۰) که این تقابل، بیانگر زنده بودن موحد و مرده بودن کافر خواهد بود؛ شاهد دیگر اینکه قرآن می‌فرماید: "ما أنت بِمُسمعٍ مَن فی القُبور" (فاطر - ۲۲) یعنی: "تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند، برسانی!"

زیرا کسانی که گرفتار قبر بدن و طبیعتند، هم‌اکنون زنده به گور بوده و تو (ای پیامبر) نمی‌توانی ایشان را بشنوی و هدایت کنی؛ یعنی کافر مرده است! (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۸، ج ۹: ۵۸۸)

واژه "طیبه" نیز در برابر خبیث قرار دارد (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۷۳) که قرآن هم به این تقابل اشاره کرده (انفال - ۳۷) و آن، به معنای چیز زیست که حس و نفس انسان از آن لذت می‌برد. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۲۷)

درباره "حیات طیبه" مصادیقی عنوان شده که برخی از آنها عبارتند از: "شناخت حقیقی خدا"، (سلمی، ۱۳۶۹، ص ۳۸) پایداری در اطاعت او"، (سیواسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۲۵) "زندگی در پرتوی طاعت خدا یا عبادت او"، (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۲۹۰) "رزق حلال"، (ابن ابی‌جامع، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۸۵) "رزق روزانه"، (خازن، ۱۴۱۵، "بهشت"، (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴: ۸۳) "عافیت و کفایت در زندگی دنیایی"، (ماوردی، بی‌تا، ج ۳: ۲۱۲) "زندگی برزخی نیکو"، (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۹۳) "پاکسازی زندگی از ناراحت‌ها و آفات"، (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۴۵) "اعطای روح قناعت به فرد" (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۱۸) و زندگی پاکیزه به جهت اتصال و اطمینان بخدا و نیز برخورداری از مقام رضوان الهی. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۳: ۲۹۵)

برخی نیز با توجه به آیه شریفه ۱۲۴ سوره طه و تعبیر: "معیشت ضنک" (= زندگی سخت و تنگ)، حیات طیبه را برای مومن، زندگی توأم با خوشی و برای فاسق، زندگی با سختی عنوان کرده‌اند (جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۹۸) با این توجیه که مومن از عمل خود در دنیا لذتی فراتر از لذت مال و جاه می‌برد چراکه او به آنچه قسمتش شده راضیست، در برابر، کافر، از مال و جاه خود لذت نمی‌برد چراکه او حریص بر آن بوده و همیشه در ترس از دست دادن آن به سر می‌برد. (مهائمی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۴۱۸)

درباره مصداق حیات طیبه باید گفت از تقابلی که در آیه شریفه ۹۷ نحل آمده یعنی دو واژه:

"لَنْجَزِيَنَّهُمْ" و "فَلَنْحَيِّيَنَّهُ" بدست می‌آید که حیات طیبه، مصداقی دنیایی دارد چراکه در برابر حیات طیبه، عبارت "لَنْجَزِيَنَّهُمْ" آمده که مربوط به آخرت است، (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۳۳) افزون بر آنکه برخی مفسران نیز به دنیایی بودن حیات طیبه تصریح کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۰۶) البته در برخی روایات، حیات طیبه اعم از دنیا و آخرت دانسته شده، (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۱۴) به هر حال حیات طیبه به معنای حیاتی جدای از دیگر حیات‌های بشری نیست بلکه مرتبه بالاتری از دیگر حیات‌ها به شمار می‌رود، چراکه شخص دارای حیات طیبه، در نفس خود دارای امور است که بسیاری از افراد، فاقد آنها هستند چون نور، کمال، قوت، عزت، لذت و سروری که نمی‌توان اندازه یا کیفیتش را معین کرد زیرا وی در حیاتی دائمی و زوال ناپذیر و نعمتی باقی و فنا ناپذیر و لذتی خالص از درد و ناخوشی‌ها و خیر و سعادت خالص و به دور از هرگونه شقاوتی قرار دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۳۴۳)

از تعاریف یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که مصداق یاد شده، یک نقطه اشتراک دارند و آن رهایی از تنش و رسیدن به آرامش است حال با فرض دنیایی بودن آن، یعنی برکنار بودن از تنش‌های دنیایی و کیفیت آن به این صورت خواهد بود که اگر انسان در پرتو طاعت خدا و برخورداری از روحیه قناعت بوده، رزق روزانه خود را نیز دریافت کند و در چنین شرایطی دغدغه اصلی او نیز آخرتش باشد چنین شخصی در زندگی آرام به سر برده، از تنش برکنار خواهد بود، بدیهیست در این حالت، چنین فردی هم در رضای خود از خدا و هم در رضایت خدا از خود به سر برده و مصداق نفس مطمئنه‌ای خواهد شد که قرآن از او یاد کرده، (فجر: ۲۷-۲۸) به عبارت دیگر مصداق پیشگفته برای حیات طیبه را می‌توان لوازم رسیدن انسان به نفس مطمئنه دانست یا اینکه گفته شود نفس مطمئنه برونداد اصلی حیات طیبه برای انسان است و دستور خداوند مبنی بر بازگشت چنین فردی به سوی خود، گواه آنست که این نوع از حیات، حیاتی دنیاییست که فرد پس از آن به سوی خدا رجوع خواهد کرد که یا عالم قبر یا آخرت است. (برای توضیح بیشتر رک: ابوزهره، بی‌تا، ج ۸: ۴۲۶۵ و جز آن)

از بررسی وصیتنامه شهید به دست می‌آید که ایشان همیشه پایدار در اطاعت خدا (یکی از معانی حیات طیبه) بوده‌اند زیرا خود را یار همیشگی ولی فقیه (حضرت امام و مقام معظم رهبری) دانسته و از اینکه با بندگان نیک خدا همراه و هم‌رمز است خدا را شکر می‌کند (تو را سپاس که مرا با بهترین بندگان در هم آمیختی) که نشان از همین مسئله دارد، همچنین اگر حیات طیبه را به معنای زندگی پاکیزه به دلیل اطمینان بخدا بدانیم نیز شهید در وصیتنامه اش تصریح می‌کند: (خدایا! به عفو تو امید دارم) که خاستگاه این امید، اطمینان ایشان است، همچنین مورد خطاب قرار دادن خدا به عنوان کریم، با این عبارت که: (در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟!) نیز تاکید بر اطمینان

ایشان به خدای تعالی دارد همچنین اگر مصداق حیات طیبه را "شناخت خدا" بدانیم آنگاه باید گفت که ایشان در جای جای وصیتنامه خود خدای تعالی را با صفات گوناگونی مخاطب ساخته که دلیل بر شناخت ایشان از خدای تعالی است زیرا گاه خدای تعالی را با تعبیری چون خالق، عزیز، حکیم بی همتا، کریم، ارحم الراحمین و معبود من، مخاطب ساخته که همگی بر مسئله پیشگفته دلالت دارند، همچنین اگر مصداق حیات طیبه را زندگی در پرتوی عبادت خدا بدانیم باید گفت که ایشان تاکید می‌کند که: (من با این پاهای در حرمت پا گذارده ام و دور خانه ات چرخیده ام و...) که همه این کارها بر عبادت خدا و برخورداری شهید از آن مقامات تاکید دارد.

۳.۴. آثار اخلاص

در این قسمت به برخی آثار دنیایی اخلاص در عمل پراخته می‌شود.

۳.۴.۱. دستیابی به رضوان الهی

از دیگر آثار اخلاص در دین دینی انسان به رضوان الهی و فراهم ساختن درجات و مراتب در نزد خدا برای خویش است به گونه ای که کسی از او نزدیکتر بخدا نخواهد بود. (ال عمران - ۱۶۲ و ۱۶۳) از نظر آیات قرآن نیز دستیابی به مقام رضایت الهی که مقامی بس بزرگ است، تنها با اخلاص و نیت صادقانه امکان دارد زیرا هر کسی بخواهد به این مقام دست یابد، چاره‌ای جز رفتن از این راه ندارد، (فتح - ۱۸) همچنانکه نشانه‌هایی از این رضایت الهی را می‌توان در موفقیت شهید، در صحنه‌های مختلف زندگی بویژه نبرد با دشمنان و پذیرش دعای ایشان در نیل به مقام شهادت و جز آن جستجو کرد.

۳.۴.۲. رهایی از خوف و ترس

از آثار مورد اشاره قرآن برای اخلاص در دین، رسیدن انسان به سعادت است که در آن آرامش وجود داشته و انسان از هر گونه اندوه و حزن نسبت به گذشته و ترس از آینده رهایی می‌یابد. (بقره - ۱۱۲) و (نساء - ۱۲۵)

درست است که شهید در وصیتنامه خود به دست خالی یا کوله بار خالی خود اشاره می‌کند اما در عین حال صحبت از امید وافر خود به عفو الهی نیز دارد، همچنین ایشان خود را در برابر آستان الهی فقیری در برابر کریم دانسته و با تاکید بر واژه کریم، نیازمندی فقیر (خود) به توشه را نفی کرده، همچنین با اشاره به کارهای خیری که در دنیا انجام داده ابراز امیدواری زیاد می‌کند که این کارهایش مقبول در گاه خدا قرار گیرد که در آن صورت دیگر خوفی وجود نخواهد داشت بدیهیست همه موارد یادشده از عدم خوف و ترس ایشان در برابر ایزد متعال حکایت دارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱.۵. نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، تبیین مبانی سیره ولایت‌محورانه شهید سلیمانی و نیز معرفی آثار مترتب بر این مبانی، در زندگی شهید، با رویکردی قرآنی و تاکید بر وصیتنامه شهید بود، یافته‌های این تحقیق نشان داد شهید بزرگوار در طول زندگی خویش همواره خدای تعالی را مد نظر داشته و در عین حال که به دستورات الهی عملی می‌کرد به وعده‌های الهی هم امیدوار و معتقد بود، همچنین وی بر این باور بود که تبعیت از ولی زمان خود باعث انجام رسالت او در این دنیا و رسیدن به عاقبت خیری و کمال انسانی خواهد شد از اینرو وی در تبعیت از ولی زمان خود نهایت تلاش را به کار بست اما این موارد بایستی از یک گزینه نیز برخوردار باشد تا کیفیت لازم را برای رساندن انسان به مقصد و مقام کمال دارا باشد (حُسن فعلی) و آن اخلاص در کارهاست که شهید سلیمانی از این گزینه نیز در حد والای آن برخوردار بود، بدیهی است کسی که به چنین مواردی دست یابد بایستی قدردان و شکرگزار این نعمت هم باشد که از این گزینه نیز به عنوان پایه ای اساسی در سیره شهید می‌توان یاد کرد، از سوی دیگر هیچ رفتار، گفتار یا افکاری نیست که بروندادی دنیایی نداشته باشد بدیهیست خدا باوری شهید، کارکردها و آثار دنیایی نیز داشت که از آن جمله می‌توان به آزادی‌بندگی اشاره کرد زیرا این شهید عزیز بنده هیچ کس و هیچ چیز نبود جز بنده خداوند تعالی و این بندگی یعنی آزادی از هر نوع بندگی غیر خدا، همچنانکه این مسئله را می‌توان در حیات شهید به وضوح مشاهده کرد زیرا شهید در حیات خویش هیچ گاه تسلیم شخص یا چیزی غیر از خداوند و دستورات او نشد که موارد یادشده حاکی از همین مسئله است، به طور کلی خدا باوری و تبعیت از دستورات الهی نقطه مقابل دستورات شیطان است بنابراین کسی که از فرامین الهی اطاعت کند از تسلط شیطان مصون خواهد بود زیرا دستورات شیطان نقطه مقابل دستورات الهی به شمار می‌رود، از آنجا که شهید متعبد به دستورات الهی در قالب ایمان و عمل صالح بود این تعبد، باعث دستیابی شهید به معنویت و نیز حیات طیبه نیز گردید که این موارد در قالب سرعت و سبقت در کارهای خیر متبلور، متصور و متمکن گردید، با عنایت به ایجاد آثار وضعی برای اعمال و نیات نیک و بد از سوی خداوند تعالی در زندگی انسان، باید گفت یکی دیگر از آثار اعمال نیک و باور صحیح به خدای تعالی، ایجاد محبت وافر مردم از سوی خداوند نسبت به فرد نیک‌کردار و نیک‌پندار است همچنانکه نمونه این محبت و علاقه در تشییع پیکر پاک شهید ملاحظه شد، گذشت که حُسن فعلی کارهای شهید، گزینه ایست که جزو مبانی سیره او محسوب می‌شود که همان اخلاص در کارهاست این مورد نیز کارکردهایی را در بر دارد که از جمله آنها می‌توان به دستیابی به رضایت الهی اشاره کرد زیرا ممکن

نیست کسی کارهایش را برای خدا انجام دهد و این کار وی رضایت الهی را در بر نداشته باشد بدیهیست چیزی بالاتر از رضایت الهی وجود ندارد، زیرا اگر این رضایت تحصیل شد دیگر در وجود انسان خوف و ترسی نخواهد بود که این مورد نیز جزو برون‌دادهای اخلاص در کارهای شهید محسوب می‌شود از سوی دیگر این اخلاص یاری الهی را نیز در بر خواهد داشت که این نصرت موجب موفقیت در کارها نیز خواهد گردید که یکی از رازهای موفقیت شهید در کارهای خویش بویژه مقابله با داعش و محو آن از گستره کره خاکی در همین مسئله نهفته است.

۲.۵. پیشنهادها

با وجود اینکه این نگاشته برخی مبانی قرآنی سیره ولایت محورانه شهید و نیز برخی کارکردهای دنیایی آن را بررسی نمود ولی این بدان معنا نیست که این مقاله توانسته همه این موارد را استقصاء و تبیین کند، از اینرو راه برای بررسی و تبیین این مبانی و تکمیل آنها با محوریت رفتار، گفتار و افکار شهید در طول حیات با برکتش و همچنین تبیین این موارد با رویکردی روایی یا جستجو در بیان و بنان مقام معظم رهبری و نیز همکاران و هم‌زمان شهید، می‌تواند موضوعات دیگری برای تحقیق در این زمینه باشد که این نگاشته به دلایل مختلف مثل محدودیت صفحات، رویکرد قرآنی این بحث و جز آن، به تمامی آنها نپرداخته، از اینرو این موارد همچنان برای تحقیق و پژوهش بیشتر، پیش روی محققان قرار دارد.

به جرات می‌توان گفت که سیره شهید نمونه بارزی از یک فرد طراز انقلاب اسلامی است از اینرو بایستی ابعاد شخصیتی ایشان با استفاده از منابع مکتوب و نیز رسانه های امروز برای دیگران به عنوان یک الگوی موفق تبیین و ترسیم گردد تا شاهد ظهور افرادی با افکار و رفتار شهید در عرصه های مختلف انقلاب اسلامی باشیم.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. وصیتنامه شهید سلیمانی.
۳. ابن ابی‌جامع، علی بن حسین، ۴۱۳ق، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی)، قم، دار القرآن الکریم، اول.
۴. ابن ابی‌زمنین، محمد بن عبدالله، ۴۲۴ق، تفسیر ابن ابی‌زمنین، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول.
۵. ابن ابی‌الحدید، ۳۷۸ق، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ اول.

۶. ابن ادريس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ ق، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (و المستطرفات)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۷. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی، ۱۴۰۹ق، إقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامیه، دوم.
۸. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول.
۹. ابن فارس ابو الحسین، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقانیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
۱۰. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، سوم.
۱۱. ابوزهره، محمد، بیتا، زهرة التفاسیر، بیروت، دار الفکر، اول.
۱۲. امام خمینی ره، ۱۳۹۴ش، چهل حدیث، تهران، نشر آثار امام خمینی ره، اول.
۱۳. انصاری خواجه عبد الله، ۱۳۷۹ق، شرح منازل السائرین، شارح: عبد الرزاق کاشانی، تهران، نشر الزهراء س، اول.
۱۴. آل غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲ق، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، اول.
۱۵. آملی، حیدر بن علی، بیتا، جامع الاسرار و منبع الانوار، مترجم: طباطبائی، قم، جواد انتشارات علمی و فرهنگی، اول.
۱۶. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴ ش، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثت، اول.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، دوم.
۱۸. بروجردی، محمدابراهیم، ۱۳۶۶ ش، تفسیر جامع، تهران، کتابخانه صدر، ششم.
۱۹. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، بیروت، دار إحياء التراث العربی، اول.
۲۰. توسلی غلام عباس، ۱۳۷۶ش، نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت، اول.
۲۱. جامی، عبد الرحمن بن احمد، بیتا، نفحات الأنس، کلکته (هند)، چاپخانه لیس، اول.
۲۲. جرجانی، حسین بن حسن، ۱۳۷۸ق، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، تهران، دانشگاه تهران، اول.
۲۳. جوادی آملی عبدالله، 1388، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم، اسراء اول.
۲۴. _____، ۱۳۸۸ش، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، سوم.
۲۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ق، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین، اول.
۲۶. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر، اول.
۲۷. خازن، علی بن محمد، ۱۴۱۵ق، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول.
۲۸. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۲ش، انسان شناسی اسلامی، قم، نشر معارف، اول.

۵۷. فاضل مقداد، ۱۴۲۰ق، الانوار الجلالیه، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، اول.
۵۸. فضل الله، محمد حسین، ۱۴۱۹ق، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، اول.
۵۹. فیضی، ابوالفیض بن مبارک، ۱۴۱۷ق، سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملك العلام، قم، دار المنار، اول.
۶۰. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، بیتا، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، دار الرضی، اول.
۶۱. قاسمی، جمال الدین، ۱۴۱۸ق، تفسیر القاسمی المسمى محاسن التأویل، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول.
۶۲. قشیری، عبدالکریم بن هوزان، ۲۰۰۰م، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، قاهره، الهیئة المصریة العامة للكتاب، سوم.
۶۳. کاشانی عبدالرزاق، ۱۳۷۲ ش، شرح منازل السائرین، قم، نشر بیدار، اول.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چهارم.
۶۵. گئی روشه، ۱۳۷۵ش، سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجان زاده، تهران، سمت، اول.
۶۶. گیلانی عبد الرزاق، ۱۳۷۷ ش، شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، قم، پیام حق، اول.
۶۷. ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶ق، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول.
۶۸. ماوردی، علی بن محمد، بیتا، النکت و العیون تفسیر الماوردی، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول.
۶۹. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۷ش، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، اول.
۷۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، مجموعه آثار، قم، صدرا، هفتم.
۷۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، سلسله مولفات شیخ مفید، بیروت، دار المفید، دوم.
۷۲. مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۷۳. مکی بن حموش، 1429ق، الهدایة إلى بلوغ النهایة، امارات، شارجه، جامعه الشارقة، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی، اول.
۷۴. مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۳ش ترجمه قرآن، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، دوم. (در ترجمه آیات از آن استفاده شده).
۷۵. _____ ۱۳۷۱ ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، دهم.
۷۶. _____ ۱۳۸۴ش، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، اول.
۷۷. ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۱ش، راهی به راهی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت، تهران، نگاه معاصر، دوم.
۷۸. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بی جا، دفتر آیت الله العظمی سبزواری، دوم.
۷۹. مهائمی، علی بن احمد، ۱۴۰۳ق، تفسیر القرآن المسمى تبصیر الرحمن و تیسیر المئان، بیروت، عالم الکتب، دوم.

۸۰. میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ش، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران، امیر کبیر، پنجم.

۸۱. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، هفتم.

۸۲. نراقی محمد (ملا مهدی نراقی)، ۱۳۶۰ ش، جامع السعادات، قم، اسماعیلیان، اول.

۸۳. نراقی احمد، ۱۳۷۸ش، معراج السعاده، قم، هجرت، اول.

۸۴. نووی، محمد، ۱۴۱۷ق، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول.

۸۵. نهاوندی، محمد، ۱۳۸۶ش، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، موسسه بعثت، اول.

سایت‌ها

۱. www.aftabnews.ir

۲. www.khamenei.ir